

جزیره دانش بنیان کیش

۲

مرزهای تازه تجارت

۳



تجارت جهانی

شماره: ۲۵۳
دوشنبه ۱۴۰۵/۰۹/۰۲
info@Tejarate.cc
www.Tejarate.cc
سال هفتم / ۴ صفحه / قیمت ۴۰۰۰۰ تومان

ارس از قاب تازه

چهل عکاس، هشت ژئوسایت و یک فرصت برای بازتعریف گردشگری در ژئوپارک جهانی ارس

۲

زنان؛ معماران توسعه کیش

در مسیر توسعه جزیره کیش، توجه به ظرفیت‌های انسانی و اجتماعی زنان می‌تواند یکی از مهم‌ترین سرمایه‌گذاری‌ها برای ساختن آینده‌ای پویاتر باشد. فراخوان شناسایی بانوان نخبه و اثرگذار جزیره کیش برای عضویت در شوراهای مشورتی، گامی در جهت به رسمیت شناختن توانمندی‌های زنان و بهره‌گیری از دانش، تجربه و خلاقیت آنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است.



اتصال حمل‌ونقلی گیلان به کریدورهای تجارت منطقه‌ای

دروازه شمالی پایدار

۴

پایان حصارهای سرمایه‌گذاری

در لهستان، پایان سال ۲۰۲۶ فقط به معنای بسته‌شدن یک فصل در تاریخ مناطق ویژه اقتصادی نیست؛ بلکه نقطه عطفی در تغییر شیوه مداخله دولت برای جذب سرمایه‌گذاری به شمار می‌رود. این کشور در حال عبور از الگویی مبتنی بر محدوده‌های جغرافیایی مشخص به نظامی سراسری است که مشوق‌های سرمایه‌گذاری را به ابزار سیاست صنعتی و توسعه اقتصادی تبدیل می‌کند.

از اول ژانویه ۲۰۲۷، چارچوب منطقه سرمایه‌گذاری لهستان (Polish Investment Zone – PSI) مبنای اصلی حمایت از سرمایه‌گذاری خواهد بود. در این تحول، مجوزهای فعالیت در ۱۴ منطقه ویژه اقتصادی سنتی که بر اساس قانون سال ۱۹۹۴ ایجاد شده‌اند، در ۳۱ دسامبر ۲۰۲۶ اعتبار خود را از دست می‌دهند. با این حال، این اتفاق به معنای پایان حمایت‌های مالیاتی از سرمایه‌گذاران نیست؛ زیرا نظام PSI از سال ۲۰۱۸ در سراسر لهستان امکان بهره‌مندی از معافیت مالیات بر درآمد را برای سرمایه‌گذاری‌های واجد شرایط فراهم کرده است.

نقطه مهم این تحول، اصلاح قانون حمایت از سرمایه‌گذاری‌های جدید است که در ۱۸ نوامبر ۲۰۲۶ به امضای رئیس جمهور لهستان رسید. بر اساس اصلاحات، مدت اعتبار تصمیم‌های حمایتی می‌تواند به حداکثر ۲۰ سال افزایش یابد. همچنین ایجاد سامانه الکترونیکی PSI با هدف تسهیل درخواست‌ها، کاهش تشریفات اداری و سرعت‌بخشیدن به فرایند رسیدگی‌ها در دستور کار قرار گرفته است.

۳

مناطق آزاد استانی



آرژانتین قصد دارد در هر ۲۳ استان مناطق آزاد تجاری با مدل BOT (ساخت-بهره‌برداری-انتقال) ۲۵ تا ۳۰ ساله ایجاد کند تا سرمایه‌گذاری خصوصی ۲۵ تا ۱۰۰ میلیون دلاری جذب شود.

این طرح برای کاهش وابستگی به صادرات کشاورزی و جذب تولید صنعتی خارجی طراحی شده و می‌تواند جایگاه کشور در مرکوسور را تقویت کند.

موفقیت آن به ثبات مقررات و اجرای واقعی مشوق‌ها وابسته است.

حفظ جریان تجارت دبی

بنادر، گمرک و مناطق آزاد دبی با عملکرد یکپارچه دریایی، هوایی و زمینی، جریان تجارت را با وجود تنش‌های منطقه‌ای حفظ کرده‌اند. عبدالله بن دامیثان بر سرعت عمل و توجه به بخش خصوصی تأکید کرد. این رویکرد، تاب‌آوری زیرساخت‌های تجاری دبی را نشان می‌دهد.

لایحه رفع تعرفه FTZ تصویب می‌شود؟



کنگره آمریکا لایحه Foreign-Trade Zone Export Enhancement Act را بررسی می‌کند تا تولیدکنندگان داخل مناطق تجارت خارجی آمریکا هنگام صادرات به کانادا و مکزیک دیگر تعرفه نپردازند و با رقبای همسایه برابر شوند.

جزیره دانش‌بنیان کیش



کیش، نگین خلیج فارس که دهه‌ها با تصویر سواحل مرجانی، هتل‌های لوکس و مراکز خرید شلوغ در ذهن ایرانیان و گردشگران منطقه نقش بسته، امروز در آستانه یک بازتعریف بنیادین ایستاده است. وابستگی تقریباً مطلق به گردشگری تفریحی، که زمانی موتور محرک اقتصاد جزیره بود، اکنون به پاشنه آشیل آن تبدیل شده. شوک‌های اخیر از محدودیت‌های پروازی گرفته تا ناامنی‌های منطقه‌ای و تغییر الگوی اقامت مسافران نشان داده‌اند که اقتصاد تک‌محصولی تا چه حد شکننده است. مقاله تحلیلی مهرداد تاوتلی، رئیس جامعه هتلداران کیش، که اخیراً در پایگاه اقتصاد کیش منتشر شده، این واقعیت را با صراحت بیان می‌کند: زمان عبور از گردشگری صرف به اقتصادی چندمحوری فرا رسیده است؛ اقتصادی که در آن دانشگاه، سلامت، فناوری، ورزش و خدمات بین‌المللی در کنار گردشگری، هویت تازه جزیره را شکل دهند.

سال‌هاست کیش هویت خود را بر پایه جاذبه‌های طبیعی، موقعیت جغرافیایی و زیرساخت‌های اقامتی و تجاری بنا کرده. هتل‌ها پر می‌شدند، مراکز خرید رونق می‌گرفتند و گردشگران داخلی برای چند روز تعطیلات به جزیره سرازیر می‌شدند. اما تحولات اخیر معادله را بر هم زده است. توسعه گسترده مجتمع‌های مسکونی و آپارتمان‌ها، تغییر سلیقه مسافران به سمت اقامت در واحدهای شخصی به‌جای هتل، و تأثیر جنگ و ناامنی‌های سیاسی، بخشی از تقاضای سنتی را کاهش داده است. تاوتلی به‌درستی هشدار می‌دهد که اتکای بیش از حد به گردشگری تفریحی فصلی، آینده اقتصادی جزیره را آسیب‌پذیر می‌کند. این مشاهده صرفاً یک نظر شخصی نیست؛ گزارش‌های رسمی سازمان منطقه آزاد کیش و اظهارات مقامات محلی نیز بر ضرورت تنوع‌بخشی تأکید دارند. معاون گردشگری منطقه آزاد اخیراً از برنامه‌هایی برای «عبور از گردشگری تک‌محصولی» سخن گفته و مدیرعامل سازمان از تدوین بسته‌های حمایتی برای خروج از وابستگی صرف به این بخش خبر داده است.

پیشنهاد محوری تاوتلی روشن است: حفظ و تقویت گردشگری، اما نه به‌عنوان تنها ستون. او از حرکت به سمت «اقتصاد دانش و خدمات بین‌المللی» سخن می‌گوید؛ مدلی که در آن حضور پایدار دانشجویان، بیماران، متخصصان فناوری، ورزشکاران و شرکت‌کنندگان در رویدادهای حرفه‌ای، تقاضای مستمر و غیرفصلی ایجاد کند. این ایده چند محور مشخص دارد.

نخست، تبدیل کیش به قطب آموزش بین‌المللی. پردیس دانشگاه‌های معتبر داخلی و خارجی، رشته‌های مرتبط با مدیریت کسب‌وکار، هوش مصنوعی، اقتصاد دیجیتال، هتلداری و فناوری‌های دریایی می‌توانند جریان دانشجویان ایرانی و خارجی را به جزیره هدایت کنند. مدارس بین‌المللی، مراکز آموزش زبان و آکادمی‌های تخصصی نیز تکمیل‌کننده این تصویرند. برخلاف گردشگر چندروزه، دانشجو و خانواده‌اش در طول سال در جزیره می‌مانند و به رونق مسکن، رستوران‌ها و خدمات شهری کمک می‌کنند. تجربه سنگاپور و لوزان نشان می‌دهد پیوند دانشگاه با شهر می‌تواند هویت اقتصادی پایدار خلق کند.

دوم، گردشگری سلامت. توسعه بیمارستان‌های تخصصی، کلینیک‌های فوق‌تخصصی، مراکز توانبخشی و پزشکی ورزشی می‌تواند بیماران و متقاضیان خدمات درمانی از داخل و کشورهای منطقه را جذب کند. این حوزه نیازمند سرمایه‌گذاری هدفمند و حضور متخصصان معتبر است، اما ظرفیت آن برای ایجاد اشتغال پایدار و درآمد ارزی قابل توجه است.

سوم، فناوری و هوش مصنوعی. منطقه آزاد بودن کیش فرصتی برای میزبانی استارتاپ‌ها، مراکز نوآوری و پردیس‌های فناوری فراهم می‌کند. ارائه خدمات نرم‌افزاری به بازارهای منطقه و توسعه فناوری‌های مرتبط با گردشگری می‌تواند موتور جدیدی برای اقتصاد جزیره باشد. البته این هدف بدون زیرساخت ارتباطی پایدار و مقررات شفاف محقق نمی‌شود؛ نکته‌ای که تاوتلی نیز بر آن تأکید دارد.

چهارم، ورزش حرفه‌ای و آکادمی‌های بین‌المللی. شرایط اقلیمی و امکانات موجود، کیش را برای کمپ‌های ورزشی و آموزش ورزشکاران مناسب می‌سازد. توسعه آکادمی‌های فوتبال، شنا، تنیس و ورزش‌های آبی، همراه با مراکز پزشکی ورزشی، می‌تواند جریان ثابتی از ورزشکاران و مربیان را در طول سال به جزیره بیاورد.

پنجم، صنعت رویداد و همایش‌ها. میزبانی کنفرانس‌های علمی، نمایشگاه‌های فناوری، اجلاس‌های سرمایه‌گذاری و مسابقات بین‌المللی، افراد را نه فقط برای تفریح، بلکه با اهداف حرفه‌ای به کیش می‌کشاند. این رویکرد، گردشگری تجاری را تقویت می‌کند و ضریب اشغال هتل‌ها را از وابستگی به تعطیلات فصلی رها می‌سازد.

در نهایت، استفاده هوشمندانه از ظرفیت‌های ساختمانی موجود. به‌جای اینکه آپارتمان‌های فراوان صرفاً تهدیدی برای هتل‌ها تلقی شوند، می‌توان بخشی از آن‌ها را به اقامتگاه‌های بلندمدت دانشجویی، محل سکونت متخصصان یا مراکز خدماتی تبدیل کرد. این کار نیازمند مطالعات بازار و توافق مالکان است، اما سرمایه خوابیده را وارد چرخه اقتصادی جدید می‌کند.

تجربه‌های جهانی این مسیر را تأیید می‌کنند. موناکو با ترکیب خدمات مالی، رویدادهای ورزشی و سبک زندگی، سنگاپور با اقتصاد دانش‌بنیان، و دبی با خدمات تجاری و مالی، نشان داده‌اند که تنوع‌بخشی رمز پایداری است. کیش نیازی به کپی‌برداری ندارد؛ می‌تواند مدل اختصاصی خود را بر پایه موقعیت جغرافیایی، ظرفیت منطقه آزاد و ویژگی‌های منحصربه‌فردش طراحی کند.

تحقق این چشم‌انداز اما به اقدام‌های پراکنده وابسته نیست. تاوتلی پیشنهاد تدوین «سند تحول راهبردی کیش ۱۴۱۴» را مطرح می‌کند؛ سندی که با مشارکت سازمان منطقه آزاد، بخش خصوصی، دانشگاه‌ها و متخصصان تدوین شود و اولویت‌هایی مانند جذب مؤسسات آموزشی معتبر، مشوق‌های سرمایه‌گذاری برای حوزه‌های دانش‌بنیان و سلامت، تسهیل مقررات برای شرکت‌های بین‌المللی، توسعه زیرساخت‌ها و ایجاد نهاد راهبری با مشارکت واقعی بخش خصوصی را شامل شود. سازمان منطقه آزاد باید از نقش تصدی‌گری فاصله بگیرد و به تسهیل‌گر و سیاست‌گذار تبدیل شود.

آینده کیش را نمی‌توان صرفاً با تعداد گردشگران تعطیلات سنجید. معیار واقعی، تعداد کسانی است که جزیره را برای تحصیل، زندگی، درمان، سرمایه‌گذاری و کارآفرینی انتخاب می‌کنند. این تغییر پارادایم از اقتصاد فصلی و آسیب‌پذیر به اقتصادی پایدار، مولد و بین‌المللی، تنها با تصمیم راهبردی و هماهنگی میان بازیگران ممکن است. کیش ظرفیت آن را دارد که از مقصد تفریحی به شهر بین‌المللی دانش، زندگی و خدمات تبدیل شود. پرسش امروز این نیست که چگونه گردشگران بیشتری بیاوریم؛ پرسش بزرگ‌تر این است که چگونه کیش را جایی کنیم که افراد بیشتری بخواهند در آن بمانند و ارزش خلق کنند. پاسخ به این پرسش، آینده جزیره را رقم خواهد زد. ■

زنان؛ معماران توسعه کیش

در مسیر توسعه جزیره کیش، توجه به ظرفیت‌های انسانی و اجتماعی زنان می‌تواند یکی از مهم‌ترین سرمایه‌گذاری‌ها برای ساختن آینده‌ای پویاتر باشد. فراخوان شناسایی بانوان نخبه و اثرگذار جزیره کیش برای عضویت در شوراهای مشورتی، گامی در جهت به‌رسمیت‌شناختن توانمندی‌های زنان و بهره‌گیری از دانش، تجربه و خلاقیت آنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است.

اداره امور زنان و خانواده جزیره کیش با انتشار این فراخوان، از بانوانی دعوت کرده است که در حوزه‌های علمی، فرهنگی، هنری، اجتماعی، اقتصادی و کارآفرینی دارای سوابق و دستاوردهای شاخص هستند تا برای حضور در شوراهای مشورتی معرفی شوند. این اقدام، فرصتی برای گردهم‌آوردن سرمایه‌های انسانی زنانه و پیوندزدن تخصص‌های متنوع با فرایندهای مشورتی و توسعه‌ای جزیره فراهم می‌کند.

براساس شرایط اعلام‌شده، کسب افتخارات و رتبه‌های معتبر استانی، ملی یا بین‌المللی، برخورداری از سوابق پژوهشی، مقاله‌نویسی و نگارش پایان‌نامه در زمینه حکمرانی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، ارائه طرح‌ها و ایده‌های خلاقانه و نوآورانه، نقش‌آفرینی مؤثر در پیشرفت جامعه و همچنین برخورداری از تجربه اجرایی و مدیریتی در سطوح میانی و ارشد، از جمله معیارهای این فراخوان است.

اهمیت این رویکرد را می‌توان در توجه به نقش زنان به‌عنوان یکی از پیشران‌های توسعه اجتماعی جست‌وجو کرد. زنان امروز در کنار حضور مؤثر در خانواده، در عرصه‌های دانشگاهی، پژوهشی، مدیریتی، فرهنگی و اقتصادی نیز نقش‌آفرین هستند و تجربه و دانش آن‌ها می‌تواند افق‌های تازه‌ای پیش روی برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری محلی قرار دهد.

در واقع، مشارکت زنان در شوراهای مشورتی، فراتر از حضور نمایشی، به معنای واردکردن دیدگاه‌ها و تجربه‌های متنوع به فرایند شناخت مسائل و طراحی راهکارهاست. چنین ظرفیتی به‌ویژه در جزیره کیش، با ویژگی‌های خاص اقتصادی، گردشگری و اجتماعی آن، می‌تواند به تقویت همبستگی اجتماعی، ارتقای کیفیت زندگی و غنای برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی کمک کند.

این فراخوان را می‌توان گامی در مسیر تقویت مشارکت اجتماعی زنان و فراهم‌کردن زمینه حضور پررنگ‌تر آنان در ساختارهای مشورتی جزیره دانست؛ مسیری که در آن، توانمندی زنان نه‌فقط یک سرمایه فردی، بلکه بخشی ارزشمند از سرمایه اجتماعی کیش و پشتوانه‌ای برای توسعه متوازن و پایدار آن به شمار می‌رود. ■

پایان حصارهای سرمایه‌گذاری

در لهستان، پایان سال ۲۰۲۶ فقط به معنای بسته‌شدن یک فصل در تاریخ مناطق ویژه اقتصادی نیست؛ بلکه نقطه عطفی در تغییر شیوه مداخله دولت برای جذب سرمایه‌گذاری به شمار می‌رود. این کشور در حال عبور از الگویی مبتنی بر محدوده‌های جغرافیایی مشخص به نظامی سراسری است که مشوق‌های سرمایه‌گذاری را به ابزار سیاست صنعتی و توسعه اقتصادی تبدیل می‌کند.

از اول ژانویه ۲۰۲۷، چارچوب منطقه سرمایه‌گذاری لهستان (Polish Investment Zone – PSI) مبنای اصلی حمایت از سرمایه‌گذاری خواهد بود. در این تحول، مجوزهای فعالیت در ۱۴ منطقه ویژه اقتصادی سنتی که بر اساس قانون سال ۱۹۹۴ ایجاد شده‌اند، در ۳۱ دسامبر ۲۰۲۶ اعتبار خود را از دست می‌دهند. با این حال، این اتفاق به معنای پایان حمایت‌های مالیاتی از سرمایه‌گذاران نیست؛ زیرا نظام PSI از سال ۲۰۱۸ در سراسر لهستان امکان بهره‌مندی از معافیت مالیات بر درآمد را برای سرمایه‌گذاری‌های واجد شرایط فراهم کرده است.

نقطه مهم این تحول، اصلاح قانون حمایت از سرمایه‌گذاری‌های جدید است که در ۱۸ نوامبر ۲۰۲۶ به امضای رئیس‌جمهور لهستان رسید. بر اساس اصلاحات، مدت اعتبار تصمیم‌های حمایتی می‌تواند به حداکثر ۲۰ سال افزایش یابد. همچنین ایجاد سامانه الکترونیکی PSI با هدف تسهیل درخواست‌ها، کاهش تشریفات اداری و سرعت‌بخشیدن به فرایند رسیدگی‌ها در دستور کار قرار گرفته است.

ابعاد اقتصادی این سیاست نیز قابل توجه است. بر اساس آمار وزارت توسعه و فناوری لهستان، از آغاز اجرای PSI در سپتامبر ۲۰۱۸ تا پایان ژوئن ۲۰۲۶، تعداد ۴ هزار و ۳۲ تصمیم حمایتی صادر شده است. ارزش سرمایه‌گذاری‌های اعلام‌شده در این پروژه‌ها به ۱۶۶/۸۵ میلیارد زلوتی رسیده و ایجاد بیش از ۵۷ هزار فرصت شغلی نیز در برنامه سرمایه‌گذاران قرار گرفته است. تنها در نیمه نخست سال ۲۰۲۶، تعداد ۳۳۲ تصمیم حمایتی به ارزش بیش از ۱۲/۴ میلیارد زلوتی صادر شده است.

اهمیت این تغییر را باید فراتر از تسهیل اداری برای بنگاه‌ها ارزیابی کرد. در الگوی سنتی، دولت با تعیین مناطق جغرافیایی خاص، سرمایه را به محدوده‌هایی مشخص هدایت می‌کرد؛ اما در مدل جدید، امکان بهره‌مندی از مشوق‌های مالیاتی در سراسر کشور، رقابت برای جذب سرمایه را از انحصار چند محدوده صنعتی خارج می‌کند. در نتیجه، موقعیت جغرافیایی دیگر تنها عامل تعیین‌کننده برای دسترسی به حمایت‌های دولتی نخواهد بود.

لهستان با این اصلاحات در واقع در حال بازتعریف مفهوم منطقه ویژه اقتصادی است: منطقه دیگر الزاماً یک محدوده محصور روی نقشه نیست، بلکه مجموعه‌ای از قواعد و مشوق‌های ملی برای جهت‌دهی به سرمایه است. این تغییر می‌تواند الگویی برای کشورهایی باشد که به دنبال پیوندزدن سیاست مناطق ویژه با راهبرد صنعتی و رقابت‌پذیری ملی هستند. ■



ارس از قاب تازه

چهل عکاس، هشت ژئوسایت و یک فرصت برای بازتعریف گردشگری در ژئوپارک جهانی ارس



در منطقه‌ای که تاریخ زمین، جغرافیای مرزی و میراث تمدنی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند، گاهی یک دوربین می‌تواند کاری فراتر از ثبت یک منظره انجام دهد؛ می‌تواند توجه‌ها را به ظرفیتی جلب کند که هنوز بخش قابل توجهی از آن برای مخاطبان بیرون از منطقه ناشناخته مانده است. ژئوپارک جهانی ارس، با مجموعه‌ای از پدیده‌های زمین‌شناختی، چشم‌اندازهای طبیعی و جاذبه‌های تاریخی و فرهنگی، یکی از همین ظرفیت‌هاست؛ منطقه‌ای که معرفی آن صرفاً به انتشار تصاویر زیبای طبیعت محدود نمی‌شود و می‌تواند به فرصتی برای توسعه گردشگری مبتنی بر میراث طبیعی تبدیل شود.

دومین اینفوتور تخصصی عکاسی ژئوپارک جهانی یونسکو ارس با حضور ۴۰ عکاس از استان آذربایجان غربی برگزار شد؛ برنامه‌ای یک‌روزه که در آن عکاسانی از شهرهای ارومیه، سلماس و خوی به منطقه سفر کردند تا هشت ژئوسایت واقع در مسیر غرب جلفا را از دریچه دوربین خود ثبت کنند. این برنامه با هدف معرفی ظرفیت‌های زمین‌شناختی، طبیعی، تاریخی و فرهنگی ارس و در چارچوب برنامه‌های مرتبط با جشنواره عکاسی ژئوپارک برگزار شد.

اما اهمیت چنین رویدادی را باید فراتر از یک بازدید گروهی یا تولید مجموعه‌ای از تصاویر گردشگری بررسی کرد. مسئله اصلی این است که چگونه می‌توان میراث زمین‌شناختی یک منطقه را از یک موضوع تخصصی و عمدتاً علمی به تجربه‌ای قابل درک برای عموم مردم تبدیل کرد؛ تجربه‌ای که بتواند گردشگر را به شناخت بیشتر، بازدید دوباره و حتی مشارکت در حفاظت از این میراث ترغیب کند.

● از جغرافیای زمین تا روایت تصویری

ژئوپارک‌ها برخلاف بسیاری از مقاصد گردشگری که شهرت خود را از بناهای تاریخی، سواحل یا امکانات تفریحی می‌گیرند، بر ارزش‌های زمین‌شناختی و ارتباط این ارزش‌ها با طبیعت، تاریخ و زندگی انسان تکیه دارند. در چنین مناطقی، چشم‌انداز طبیعی صرفاً پس‌زمینه‌ای برای عکاسی نیست؛ خودِ زمین موضوع اصلی روایت است.

در ژئوپارک جهانی ارس نیز آنچه اهمیت دارد، تنها زیبایی بصری مناظر نیست، بلکه مجموعه‌ای از شواهد طبیعی و تاریخی است که در کنار یکدیگر هویت جغرافیایی منطقه را شکل می‌دهند. پدیده‌های زمین‌شناختی، ساختارهای طبیعی و ارتباط آن‌ها با سکونتگاه‌ها و میراث فرهنگی، امکان ارائه روایتی چندلایه از این محدوده جغرافیایی را فراهم می‌کنند.

از این منظر، حضور ۴۰ عکاس در هشت ژئوسایت مسیر غرب جلفا را می‌توان تلاشی برای انتقال این روایت به زبان تصویر دانست. عکاسی، به‌ویژه زمانی که با شناخت تخصصی از موضوع همراه باشد، قادر است جزئیاتی را برجسته کند که در بازدیدهای معمول گردشگری کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند. تفاوت میان ثبت یک منظره و روایت یک میراث طبیعی نیز دقیقاً در همین نقطه شکل می‌گیرد: عکس خوب فقط نشان نمی‌دهد یک مکان چه شکلی دارد، بلکه می‌تواند مخاطب را به پرسش درباره چرایی و چگونگی شکل‌گیری آن مکان وادار کند.

به همین دلیل، اینفوتورهای تخصصی زمانی بیشترین اثرگذاری را خواهند داشت که عکاسان پیش از ثبت تصاویر، با ویژگی‌های علمی، تاریخی و محیطی ژئوسایت‌ها آشنا شوند. چنین شناختی می‌تواند کیفیت آثار تولیدشده را از تصاویر صرفاً زیباشناختی به محتوایی آگاهی‌بخش ارتقا دهد.

● عکاسی؛ فراتر از تبلیغات گردشگری

در سال‌های اخیر، تصویر به یکی از ابزارهای مهم رقابت میان مقاصد گردشگری تبدیل شده است. بسیاری از مسافران پیش از انتخاب مقصد، نخستین مواجهه خود را با آن از طریق تصاویر منتشرشده در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی تجربه می‌کنند. در این شرایط، کیفیت و گستره محتوای تصویری می‌تواند در شکل‌گیری شناخت اولیه از یک منطقه نقش داشته باشد.

برای منطقه آزاد ارس، این مسئله اهمیت مضاعفی دارد. ارس علاوه بر ظرفیت‌های اقتصادی و تجاری، از جاذبه‌های طبیعی، تاریخی و فرهنگی برخوردار است که می‌توانند به توسعه گردشگری منطقه کمک کنند. با این حال، برخورداری از جاذبه به‌تنهایی به معنای شناخته‌شدن آن نیست. میان وجود یک ظرفیت گردشگری و تبدیل آن به مقصدی شناخته‌شده، فاصله‌ای وجود دارد که بخشی از آن با معرفی هدفمند و تولید محتوای معتبر پر می‌شود.

حضور عکاسان از سه شهر ارومیه، سلماس و خوی نیز از این منظر قابل توجه است. انتخاب عکاسان از خارج از محدوده جلفا، امکان مواجهه افرادی با پیشینه و تجربه متفاوت با ژئوپارک را فراهم می‌کند. این افراد می‌توانند پس از بازدید، تصاویر و روایت‌های خود را در شبکه ارتباطی و رسانه‌ای‌شان منتشر کنند و به انتقال شناخت از ارس به مخاطبانی فراتر از جامعه محلی کمک کنند.

● میراثی که به روایت نیاز دارد

یکی از ویژگی‌های مهم ژئوپارک‌ها، پیوند میان میراث زمین‌شناختی و هویت فرهنگی جوامع پیرامون آن‌هاست. در بسیاری از موارد، ارزش یک محدوده طبیعی تنها در ساختارهای زمین‌شناختی آن خلاصه نمی‌شود؛ تاریخ سکونت انسان، شیوه‌های زندگی، روایت‌های محلی و ارتباط جوامع با محیط طبیعی نیز بخشی از هویت آن را تشکیل می‌دهند.

ژئوپارک ارس نیز از این قاعده مستثنا نیست. کنار هم قرارگرفتن جاذبه‌های طبیعی، تاریخی و فرهنگی در یک محدوده جغرافیایی، امکان ارائه تصویری جامع از منطقه را فراهم می‌کند؛ تصویری که در آن طبیعت از زندگی انسان جدا نیست.

از این منظر، عکاسی از ژئوسایت‌ها می‌تواند با ثبت عناصر فرهنگی و انسانی پیرامون آن‌ها، به روایت کامل‌تری از ارس منجر شود. اگر دوربین تنها بر چشم‌اندازهای طبیعی متمرکز بماند، بخشی از ظرفیت هویتی منطقه نادیده گرفته می‌شود. در مقابل، توجه به رابطه میان طبیعت، معماری، زندگی روزمره و میراث تاریخی می‌تواند تصویری عمیق‌تر و ماندگارتر از مقصد ایجاد کند.

این رویکرد همچنین اهمیت مشارکت جوامع محلی را برجسته می‌کند. ساکنان مناطق پیرامونی ژئوسایت‌ها تنها بخشی از جغرافیای گردشگری نیستند، بلکه حاملان بخشی از دانش و حافظه تاریخی آن محسوب می‌شوند. بنابراین، توسعه گردشگری ژئوپارک زمانی می‌تواند به الگویی پایدار نزدیک شود که معرفی میراث طبیعی با توجه به منافع و نقش جوامع محلی همراه باشد.

● ادامه مسیر تا اردبیل

برنامه عکاسی ژئوپارک ارس به حضور عکاسان آذربایجان غربی محدود نخواهد ماند. بر اساس اعلام اداره کل روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان منطقه آزاد ارس، قرار است طی دو هفته آینده جمعی از عکاسان استان اردبیل نیز به منطقه سفر کنند و از ژئوسایت‌ها و جاذبه‌های شاخص ژئوپارک جهانی یونسکو ارس بازدید داشته باشند.

تداوم این برنامه‌ها نشان می‌دهد برگزارکنندگان به دنبال گسترش دامنه مشارکت هنرمندان استان‌های مختلف در معرفی ظرفیت‌های ارس هستند. چنین رویکردی می‌تواند به تنوع نگاه‌ها و شکل‌گیری مجموعه‌ای گسترده‌تر از آثار تصویری منجر شود؛ آثاری که هرکدام از زاویه‌ای متفاوت به معرفی ویژگی‌های طبیعی و فرهنگی منطقه بپردازند.

با این حال، ارزش نهایی این برنامه‌ها به آنچه پس از پایان بازدید اتفاق می‌افتد وابسته است. انتشار آثار منتخب، ایجاد آرشیو تصویری منسجم، استفاده از تصاویر در رسانه‌های گردشگری، معرفی علمی ژئوسایت‌ها در کنار عکس‌ها و فراهم کردن امکان دسترسی مخاطبان به اطلاعات دقیق درباره هر جاذبه، می‌تواند دامنه اثرگذاری این رویدادها را افزایش دهد.

● از ثبت تصویر تا ساخت مقصد

ژئوپارک جهانی ارس برای تبدیل شدن به مقصدی شناخته شده در گردشگری طبیعت‌محور، به چیزی بیش از برخورداری از جاذبه‌های کم‌نظیر نیاز دارد. معرفی علمی و قابل فهم میراث زمین‌شناختی، ایجاد تجربه مناسب برای بازدیدکنندگان، حفاظت از ژئوسایت‌ها و پیوند دادن ظرفیت‌های طبیعی با میراث فرهنگی و اقتصادی منطقه، اجزای یک فرایند به‌هم‌پیوسته هستند.

در این میان، عکاسی می‌تواند نقش یک واسطه مؤثر را ایفا کند؛ واسطه‌ای میان دانش تخصصی زمین‌شناسی و نگاه عمومی، میان جغرافیای محلی و مخاطبان ملی و میان ظرفیت‌های کمتر شناخته‌شده و فرصت‌های تازه گردشگری.

دومین اینفوتور تخصصی عکاسی ارس با حضور ۴۰ عکاس و بازدید از هشت ژئوسایت، گامی در همین مسیر است. اهمیت این رویداد نه صرفاً در تعداد شرکت‌کنندگان، بلکه در فرصتی است که برای بازنمایی متفاوت میراث طبیعی و فرهنگی منطقه ایجاد می‌کند.

در نهایت، آنچه می‌تواند ارس را در ذهن مخاطبان ماندگار کند، تنها تصویری زیبا از یک چشم‌انداز نیست؛ بلکه روایتی است که به مخاطب نشان دهد این سرزمین چگونه شکل گرفته، چه میراثی را در خود جای داده و چرا حفاظت و شناخت آن اهمیت دارد. دوربین‌ها در این مسیر می‌توانند نخستین پنجره باشند؛ اما تبدیل این پنجره به مسیری پایدار برای گردشگری، به برنامه‌ریزی و پیگیری فراتر از یک رویداد عکاسی نیاز دارد.. ■

مرزهای تازه تجارت

جنوب شرق آسیا در حال عبور از مرحله همگرایی اقتصادی سنتی به سوی شکل تازه‌ای از یکپارچگی منطقه‌ای است؛ الگویی که در آن مناطق ویژه اقتصادی، زیرساخت‌های دیجیتال و هماهنگی فرامرزی به اجزای مکمل یک راهبرد مشترک تبدیل می‌شوند. تحولات اخیر آسه‌آن نشان می‌دهد کشورهای این منطقه بیش از گذشته به دنبال پیوند دادن سرمایه، فناوری، نیروی کار و زنجیره‌های تأمین در مقیاسی فراتر از مرزهای ملی هستند.

یکی از مهم‌ترین جلوه‌های این رویکرد، منطقه ویژه اقتصادی جوهور ـ سنگاپور (JS-SEZ) است؛ پروژه‌ای مشترک میان مالزی و سنگاپور که از ژانویه ۲۰۲۵ تا ژوئن ۲۰۲۶ توانسته ۸۸/۸۳ میلیارد رینگیت مالزی، معادل حدود ۲۸ میلیارد دلار سنگاپور، سرمایه‌گذاری مصوب جذب کند. بر اساس آمار اعلام‌شده در نوامبر ۲۰۲۶، حدود ۴۵ درصد این سرمایه‌گذاری‌ها، معادل ۴۰/۳ میلیارد رینگیت، وارد مرحله اجرا شده و مجموع طرح‌های مصوب ظرفیت ایجاد ۲۸ هزار و ۷۵۵ فرصت شغلی را دارند. قرار است نقشه جامع این منطقه در دسامبر ۲۰۲۶ با حضور نخست‌وزیران دو کشور رونمایی شود.

اهمیت این پروژه صرفاً در حجم سرمایه جذب‌شده نیست؛ بلکه در تقسیم کار اقتصادی میان دو همسایه نهفته است. سنگاپور با برخورداری از زیرساخت‌های مالی، فناوری و شبکه تجارت جهانی، می‌تواند به دروازه سرمایه و خدمات پیشرفته تبدیل شود و جوهور مالزی با برخورداری از ظرفیت‌های صنعتی، زمین و نیروی کار، بستر توسعه فعالیت‌های تولیدی و لجستیکی را فراهم کند. موفقیت این الگو البته به هماهنگی مقررات، اتصال زیرساخت‌ها و تربیت نیروی انسانی متناسب با نیاز صنایع وابسته است.

در سطحی گسترده‌تر، امضای توافق‌نامه چارچوب اقتصاد دیجیتال آسه‌آن (DEFA) در ۱۴ نوامبر ۲۰۲۶، گام دیگری در جهت یکپارچگی اقتصادی منطقه به شمار می‌رود. این توافق با هدف ایجاد قواعد مشترک در تجارت دیجیتال، جریان داده، پرداخت‌های الکترونیکی و اسناد دیجیتال تدوین شده و انتظار می‌رود از اوایل ۲۰۲۷ اجرایی شود.

پیوند این دو تحول، چشم‌انداز تازه‌ای برای مناطق آزاد و ویژه اقتصادی آسه‌آن ترسیم می‌کند: مناطقی که مزیت رقابتی آن‌ها دیگر تنها به معافیت‌های مالیاتی یا موقعیت جغرافیایی محدود نیست، بلکه به توانایی اتصال به شبکه‌های دیجیتال، زنجیره‌های تأمین منطقه‌ای و بازارهای فرامرزی وابسته است. در چنین الگویی، رقابت مناطق ویژه اقتصادی بیش از گذشته به رقابت بر سر کیفیت زیرساخت، مهارت نیروی انسانی و ظرفیت همکاری منطقه‌ای تبدیل خواهد شد. ■



دروازه شمالی پایدار



در ساحل جنوبی دریای کاسپین، جایی که مه و باران گیلان سال‌ها فقط تصویر گردشگری و کشاورزی را تداعی می‌کرد، اکنون زنجیره‌ای از اسکله، ریل و باند فرودگاه در حال بازتعریف نقش استان در اقتصاد ملی است. مصطفی طاعتی‌مقدم، مدیرعامل سازمان منطقه آزاد انزلی، در اظهارات اخیر خود از «حمل یکسره» سخن گفت؛ مفهومی که فراتر از یک شعار لجستیکی، نشان‌دهنده تلاش برای اتصال بی‌وقفه مودهای مختلف حمل‌ونقل است. به گفته او، هم‌افزایی میان دریا، ریل و در آینده هوا، حتی در شرایط جنگی، گیلان و استان‌های مرکزی را به شبکه تجارت و تأمین متصل نگه داشته است. این ادعا، در بستر آمارهای رشد و تحولات زیرساختی، بیش از یک گزارش عملکرد محلی به نظر می‌رسد؛ بلکه بخشی از پاسخ ایران به فشارهای مسیرهای جنوبی و ضرورت تنوع‌بخشی به کریدورهای تجاری است.

بندر کاسپین، قلب این تحول، طی دو سال گذشته از یک پروژه پرچالش به بازیگری فعال در تجارت خزر تبدیل شده است. حجم تخلیه و بارگیری که در سال ۱۴۰۳ حدود ۷۶۰ هزار تن بود، در سال ۱۴۰۴ به حدود ۱.۲ میلیون تن رسید؛ رشدی نزدیک به ۵۸ درصد. در مقاطع مختلف سال جاری نیز رشدهای ۳۰ تا ۶۰ درصدی در پهلودهی کشتی‌ها و عملیات بندری گزارش شده است. بخشی از این جهش به اتصال ریلی بازمی‌گردد. خط رشت کاسپین که پیش‌تر افتتاح شده بود، امکان جابه‌جایی مستقیم کالا از اسکله به شبکه سراسری را فراهم کرد. حالا با افزوده‌شدن دو خط تازه به ایستگاه ریلی بندر تصمیمی که سازمان منطقه آزاد آن را «مسئولیتی حاکمیتی» دانست و خود تأمین مالی و اجرایی‌اش را برعهده گرفت بارگیری ریلی تا ۲۰۰ درصد افزایش یافته است. این رقم، اگرچه نیازمند جزئیات بیشتری درباره حجم پایه است، نشان‌دهنده جهش عملیاتی در انتقال کالاهای فله، مصالح ساختمانی، اوره و حتی در موارد محدود سوخت است.

اهمیت این اتصال در شرایط بحرانی آشکارتر می‌شود. وقتی مسیرهای جنوبی با محدودیت‌های دریایی یا فشارهای خارجی روبه‌رو بوده‌اند، بنادر شمالی به‌ویژه کاسپین نقش مکمل و در مواردی جایگزین نسبی ایفا کرده‌اند. کالاهای اساسی مانند روغن خوراکی و غلات از طریق این بندر وارد شده و بخشی از آن‌ها به‌صورت یکسره ریلی به مقاصد داخلی منتقل شده‌اند. صادرات نیز رشد چشمگیری داشته؛ در برخی دوره‌ها بیش از ۲۰۰ درصد در بخش مصالح و مواد ساختمانی. این روند، بندر را از یک نقطه تخلیه ساده به حلقه‌ای در کریدور شمال جنوب و تجارت با روسیه، قزاقستان و ترکمنستان تبدیل کرده است. با این حال، محدودیت‌هایی باقی است: کمبود ناوگان تخصصی دریایی، نیاز به خطوط داخلی بیشتر برای کالاهای مایع، و ضرورت تکمیل محوطه مانور (شانتینگ یارد) برای استفاده کامل از ظرفیت قطارها.

فراتر از دریا و ریل، نگاه به آسمان نیز بخشی از این پازل است. فرودگاه بین‌المللی سردار جنگل رشت که اخیراً به محدوده منطقه آزاد انزلی الحاق شده، فرصتی تازه برای تکمیل زنجیره چهاروجهی (دریا، ریل، جاده، هوا) محسوب می‌شود. طاعتی‌مقدم از آمادگی سازمان برای مشارکت در فازهای توسعه از تکمیل و تطویل باند گرفته تا احداث ترمینال جدید خبر داده است. هدف اعلام‌شده روشن است: فرودگاهی «آبرومند» با پروازهای تیپ بالاتر و ظرفیت همزمان مسافر و بار. این ادعا در حالی مطرح می‌شود که باند فعلی محدودیت‌هایی برای هواپیماهای پهن‌پیکر دارد و اعتباراتی نیز برای توسعه آن تخصیص یافته است. الحاق فرودگاه به منطقه آزاد، مزیت‌های قانونی و سرمایه‌گذاری را فعال می‌کند و می‌تواند مسیرهای هوایی را به شبکه زمینی و دریایی گره بزند؛ به‌ویژه برای کالاهای باارزش بالا یا زمان‌حساس.

تحلیل این تحولات بدون توجه به زمینه ژئواکونومیک ناقص است. ایران سال‌ها بر کریدور شمال جنوب و اتصال به اوراسیا تأکید کرده است. بندر کاسپین و منطقه آزاد انزلی، با موقعیت جغرافیایی و زیرساخت‌های در حال تکمیل، می‌توانند گره جنوبی دریای خزر باشند. ایجاد دهکده لجستیک در اراضی سفیدرود، نزدیک ایستگاه راه‌آهن رشت، و پیگیری طرح رشت آستارا، از جمله برنامه‌هایی است که تکمیل زنجیره را در افق پنج‌ساله هدف قرار داده‌اند. هم‌افزایی دستگاه‌های اجرایی از راه‌آهن و سازمان بنادر تا استانداری و وزارت راه که طاعتی‌مقدم به آن اشاره می‌کند، شرط لازم این موفقیت است. بدون هماهنگی در تأمین واگن، برنامه‌ریزی کشتیرانی منظم و سیاست‌های تعرفه‌ای حمایتی، رشدهای درصدی ممکن است ناپایدار بمانند.

با این همه، چالش‌ها جدی‌اند. ظرفیت نهایی بندر کاسپین در فاز کامل تا ۱۵ میلیون تن برآورد می‌شود، اما تحقق آن نیازمند سرمایه‌گذاری مستمر در اسکله‌ها، تجهیزات و ناوگان است. رقابت با بنادر دیگر شمال و جنوب، نوسانات روابط با شرکای خزر، و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها همچنان وجود دارد. رشد بارگیری ریلی ۲۰۰ درصدی، هرچند قابل توجه، باید در مقیاس ملی سنجیده شود؛ سهم بنادر شمالی از کل تجارت دریایی ایران هنوز محدود است. همچنین، توسعه فرودگاه رشت نیازمند توافق‌های عملیاتی شفاف‌تر با شرکت فرودگاه‌ها و جذب سرمایه‌گذار بخش خصوصی است.

آنچه در گیلان در حال شکل‌گیری است، بیش از یک پروژه محلی است. این تلاش برای ایجاد یک شبکه حمل‌ونقل مقاوم، بازتابی از درس‌های سال‌های اخیر است: وابستگی بیش از حد به یک مسیر یا یک مود، آسیب‌پذیری ایجاد می‌کند. اگر زنجیره یکسره از اسکله کاسپین تا ریل سراسری و باند رشت به شکلی پایدار عملیاتی شود، گیلان می‌تواند نه فقط تأمین‌کننده کالاهای اساسی، بلکه بازیگری فعال در تجارت منطقه‌ای باشد. موفقیت نهایی اما به اجرای مداوم، شفافیت آماری و هماهنگی نهادی بستگی دارد؛ عواملی که در گزارش‌های رسمی کمتر برجسته می‌شوند اما در عمل تعیین‌کننده‌اند. ■

مناطق آزاد در عصر داده

بیش از ۸۰۰ منطقه آزاد در آمریکای لاتین وجود دارد؛ اما اهمیت این مناطق دیگر صرفاً به معافیت‌های گمرکی و مالیاتی یا استقرار کارخانه‌های مونتاژ محدود نمی‌شود. در حال شکل‌گیری الگویی تازه است که مناطق آزاد را از محوطه‌های صنعتی محصور به زیرساخت‌هایی برای اقتصاد دیجیتال، خدمات بین‌المللی، انرژی و شبکه‌های لجستیکی تبدیل می‌کند؛ تحولی که هم فرصت‌های تازه‌ای برای جذب سرمایه ایجاد کرده و هم حساسیت‌های تجاری و سیاسی را افزایش داده است.

بر اساس گزارش مؤسسه مشاوره‌ای آراخو ایبارا، جایگاه اقتصادی این مناطق در برخی کشورها به سطحی تعیین‌کننده رسیده است.



در کاستاریکا، مناطق آزاد حدود ۱۵ درصد تولید ناخالص داخلی و نزدیک به سه‌چهارم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را به خود اختصاص می‌دهند. در جمهوری دومینیکن نیز بیش از نیمی از صادرات کشور از این مناطق تأمین می‌شود. با این حال، مهم‌ترین تغییر در ترکیب فعالیت‌های اقتصادی آنهاست: در کاستاریکا، دو شرکت از هر سه شرکت مستقر در مناطق آزاد در بخش خدمات فعالیت می‌کنند؛ نشانه‌ای از عقب‌نشینی الگوی سنتی تولید و مونتاژ در برابر اقتصاد خدمات‌محور.

این تغییر در کشورهای دیگر نیز قابل مشاهده است. برزیل در منطقه پردازش صادراتی پسم، مجوز استقرار مراکز داده و فعالیت شرکت‌هایی از جمله بایت‌دنس را صادر کرده و هم‌زمان مسیر ورود پروژه‌های انرژی پاک و هیدروژن سبز را گشوده است. در پرو، چارچوب قانونی مناطق ویژه اقتصادی خصوصی توسعه یافته و در کلمبیا نیز امکان فعالیت مناطق آزاد ریلی خارج از محوطه‌های سنتی فراهم شده است. اروگوئه با راه‌اندازی منطقه آزاد اداری در مجموعه ورلد ترید سنتر پونتا دل استه، دامنه این مفهوم را به خدمات حرفه‌ای و فعالیت‌های دفتری گسترش داده است.

با این تحولات، مزیت رقابتی مناطق آزاد نیز در حال تغییر است. معافیت مالیاتی که زمانی مهم‌ترین ابزار رقابت برای جذب سرمایه‌گذاران خارجی بود، به‌تدریج جای خود را به عواملی دشوارتر برای بازتولید می‌دهد: دسترسی پایدار به انرژی، نیروی انسانی متخصص، اتصال لجستیکی، زیرساخت ارتباطی و ثبات مقررات. برای مثال، یک مرکز داده بیش از تخفیف مالیاتی به برق مطمئن، ظرفیت انتقال داده و محیط حقوقی قابل پیش‌بینی نیاز دارد. به همین دلیل، رقابت مناطق آزاد وارد مرحله‌ای شده که کیفیت زیرساخت و حکمرانی اقتصادی می‌تواند تعیین‌کننده‌تر از میزان مشوق‌های مالیاتی باشد.

در سوی دیگر، گسترش این مناطق با حساسیت فزاینده ایالات متحده نسبت به تغییر مسیر تجارت جهانی همراه شده است. واشنگتن در گزارش‌های مربوط به مقابله با دور زدن تعرفه‌ها، بیش از ۴۰ کشور را در گروه‌های مختلف ریسک انتقال غیرقانونی کالا شناسایی کرده و نسبت به استفاده از کشورهای ثالث، انبارهای گمرکی، مراکز بازصادرات و مناطق آزاد برای پنهان کردن مبدأ واقعی کالاها هشدار داده است. این رویکرد به معنای غیرقانونی بودن فعالیت مناطق آزاد نیست، اما نشان می‌دهد شفافیت زنجیره تأمین و اثبات منشأ واقعی کالاها به مسئله‌ای راهبردی تبدیل شده است.

در واقع، آمریکای لاتین با یک دوگانگی تازه روبه‌روست: مناطق آزاد باید هم‌زمان به مقصدی جذاب برای سرمایه‌گذاری جهانی و بخشی قابل اعتماد از نظام تجارت بین‌المللی تبدیل شوند. آینده این مناطق نه فقط به توانایی آنها در جذب سرمایه، بلکه به میزان موفقیتشان در ایجاد تعادل میان آزادی اقتصادی، امنیت تجاری و شفافیت مقرراتی وابسته خواهد بود. ■